

هفتمین تجزیه و تحلیل فعل: صحیح یا معتل:

فعل صحیح: فعلی است که در حروف اصلی آن حروف عله (وای) نباشند.

انواع فعل صحیح:

1- مهموز: فعل صحیحی است که یکی از حروف اصلی آن همزه باشد.

أمر سأل قرأ

مهموز الفاء / مهموز العین / مهموز اللام

2- مضاعف: فعل صحیحی است که دو حرف از حروف اصلی آن هم جنس و شبیه هم باشند. م د د

(مدّ) ، فرر (فرّ) ، زلزل

نکته: جزم فعل مضاعف در صیغه هایی که ضمّه دارند به فتحه َ می باشد.

یمدّ نهی ← لا یمدّ / تسدّ امر حاضر ← سدّ / تمرّ جحد ← لم تمرّ

3- سالم: فعل صحیحی است که مهموز و مضاعف نباشد. کتب - خرج - جلس

« فعل معتل »

فعلی است که یک یا دو حرف از حروف اصلی آن هم جنس و شبیه هم باشند و بر 5 نوع است.

1- مثال: فعل معتلی است که اولین حرف اصلی آن عله باشد. وعد، یسر

2- اجوف (توخالی): فعل معتلی است که دومین حرف اصلی آن عله باشد. قول ، بیع

3- ناقص: فعل معتلی است که سومین حرف اصلی آن عله باشد. دعو - رمی

4- لفیف مقرون: فعل معتلی است که دو حرف از حروف اصلی آن عله باشد و آن دو حرف عله کنار هم

باشند. روی - هوی - شوی

5- لفیف مفروق: فعل معتلی است که دو حرف از حروف اصلی آن عله باشد و آن دو حرف عله جدای از

هم باشند. وحی - وقی - وفی

(توجه): این دو فعل معتل (لفیف مقرون و مفروق) به صورت مستقل در امتحان نمی آیند ولی از جهت حرف اول قاعده ی مثال را می پذیرد و از جهت حرف آخر قواعد ناقص را می گیرد.

« اعلال »

تعریف: عبارت از تغییراتی است که در حروف عله (وای) بوجود می آید و بر 3 نوع است.

1- اعلال قلب (تبدیل):

عبارت از آن است که حروف عله را به یکدیگر تبدیل کنیم. قول معلوم ← قال / مجهول ← قیل

نکته: حروف عله عبارتند از (و- ی) و حرف (الف) از این دو حرف بوجود می آید پس نتیجه می گیریم هر کجا الف دیده شود حتماً اعلال قلب است.

2- اعلال اسکان:

حرف عله را ساکن می کنیم.

نکته ی اول: در مضارع و امر اجوف هر کجا حرف (و- ی) دیده شود حتماً اعلال آن اسکان است. یقول-

یسیر- قولی- بیعی

نکته ی دوم:

در مضارع ناقص به شرطی که حرف عله آخرین حرف کلمه باشد اعلال آن اسکان است و این قاعده در پنج

صیغه بوجود می آید. (1-4-7-13-14)

1- یدعو/4- تدعو/7- تدعو/13- ادعو/14- ندعو

1- یرمی/4-ترمی/7-ترمی/13-أرمی/14-نرمی

3-اعلال حذف: خود حرف عله را حذف می کنیم.

«قاعده ی اعلال حذف»

اگر دو حرف ساکن در یک کلمه کنار هم باشند و یکی از آنها حرف عله باشد باید حرف عله را حذف کنیم.

تقول نهی ← لا تقول ← لا تقل

نکته: ریشه ی فعل های عربی 3 حرفی و بالاتر است پس اگر کلمه ی دو حرفی دیده شود حتماً اعلالش

حذف است. مانند: قل - عد - تعد

(اعلال فعل مثال واوی)

1- ماضی: 14 صیغه اعلال نمی گیرد. (دون الاعلال) و به این خاطر به این فعل مثال گویند زیرا ماضی

آن بدون هیچ اعلالی صرف می شود.

وقف - وقفا - وقفوا - وقت - وقتا - وقفن - وقتت - وقتما - وقتتم - وقتت - وقتتما - وقتتن - وقتت

وقفنا

2- مضارع: 14 صیغه اعلال حذف می گیرند و این حذف براساس قاعده نیست بلکه براساس این بهانه

است که چون حرف عله میان (فتحه و کسره) یا میان دو فتحه قرار گرفته، تلفظ آن سنگین است

حرف عله را حذف می کنیم .

وجد ← يوجد ← یجد / وهب ← یوهب ← یهب

« صرف مضارع »

یجد- یجدان- یجدون- تجد- تجدان- یجدن- تجد- تجدان- تجدون- تجدین- تجدان- تجدن- اجد- نجد

3- امر حاضر: چون از فعل مضارع مخاطب ساخته می شود، هر 6 صیغه اعلال حذف می گیرند.

تعد امر حاضر ← عد- عدا- عدوا- عدی- عدا- عدن

4- مضارع مجهول:

در مضارع مجهول هر 14 صیغه حرف عله ی (و) حذف شده به جای خود برمی گردد و هیچ اعلالی ندارد زیرا هنگام مجهول شدن مضارع حرف اول را ضمه می دهیم و عین الفعل فتحه می گیرد پس بهانه را از آنها گرفته ایم و حرف عله بدون هیچ اعلالی برمی گردد.

یلد ← یولد / تجد ← توجّد / یزن ← یوزن

« فعل اجوف »

1- ماضی: صیغه های (1 الی 5) اعلال قلب به الف و 9 صیغه ی باقی مانده اعلال حذف می گیرند.

سار- سارا- ساروا- سارت- سارتا- سرن- سرت- سرتما- سرتما- سرت- سرتما- سرتن- سرت- سرتا- سرتا

قال: قال- قالوا- قالت- قالتا- قلن- قلت- قلتما- قلتما- قلت- قلتما- قلتن- قلت- قلنا

نکته: در صیغه های (6 تا 14) فعل ماضی اجوف که اعلال به حذف رخ می دهد اگر فعل مضارع بر وزن

(یفعّل) باشد مانند: (قال) حرکت فاء الفعل در 9 صیغه ی (6 تا 14) ضمه می گیرد. (قال- قلن)

و اگر فعل مضارع بر وزن (یفعّل، یفعل) باشد. مانند: (نال ینال، سار یسیر) حرکت فاء الفعل 9 صیغه ی

(6 تا 14) ماضی را (کسره) می دهیم.

نال ← نلن / سار ← سرن

تقولان-قولا

تنالان- نالتا

تقلن- قُلْنَ (حذف)

تنلن- نَلْنَ (حذف)

نکته: اگر مضارع اجوف اعلال (اسکان) داشته باشد. (يقول - يبيع) صیغه ی 6 ماضی (للغائبات) با ضمیر (هُنَّ) و 6 امر مخاطب (للمخاطبات) با ضمیر (أنتُنَّ) در ظاهر همانند هم می شوند.

قال ← هُنَّ قُلْنَ أنتُنَّ قُلْنَ

باع ← هُنَّ بَعْنَ أنتُنَّ بَعْنَ

اما اگر مضارع اجوف اعلال (قلب به الف) داشته باشد. (يخاف - ينال...) حرکت حرف اول ماضی با ضمیر (هُنَّ) باید کسره بگیرد ولی حرکت حرف اول امر حاضر با ضمیر (أنتُنَّ) باید فتحه بگیرد. که در کنکور به خطا آن را کسره می دهند و باعث خطای گزینه می شوند.

خاف- يَخَافُ ← هُنَّ خِفْنَ أنتُنَّ خَفْنَ

نال- يَنَالُ ← هُنَّ نَلْنَ أنتُنَّ نَلْنَ

نکته: (عِد - عُد)

هر دو فعل امر حاضر هستند و اعلال آنها حذف است با این تفاوت که اگر حرکت حرف اول ضمه باشد. (عُد) معتل اجوف است و اگر حرکت حرف اول کسره باشد (عِد) معتل مثال است.

عُد- تَعُوذُ- عُوذُ- عُد (اجوف)

عِد- تَعِيدُ- عِيد (مثال)

« معتل ناقص »

ناقص را به دو گروه تقسیم می کنیم.

1- ناقص الف: حرف عله در آن اعلال قلب به الف گرفته. دعا- یبقی

2- ناقص غیرالف: حرف عله در آن به اصل خویش (و-ی) باقی مانده است. نسی- یدعو

توجه: برای اینکه تشخیص نوع اعلال برای دانش آموزان ساده شود (ماضی ناقص الف و غیرالف) همچنین (مضارع ناقص الف و غیر الف) را کنار هم گذاشته و با هم مقایسه می کنیم.

«ماضی ناقص الف: دعا (دعو)»

صیغه ی اول اعلال قلب به الف: (دعا) و صیغه های (3-4-5) با ضمائر (هم- هی- هما مونث) اعلال حذف می گیرند و بقیه ی صیغه ها اعلال ندارند.

3- هم دعوا- دَعُوا (حذف)

4- هی دعوت- دَعَت (حذف)

5- هما دعوتا- دَعَتَا (حذف)

« ماضی ناقص غیر الف: خشی »

تنها صیغه ی (3) با ضمیر (هم) اعلال حذف می گیرد و 13 صیغه ی باقی مانده اعلال ندارند و همانند فعل صحیح (ذهب) صرف می شود.

3- هم خشیوا- خَشُوا (حذف)

توجه: در صیغه ی للغائبین با ضمیر (هم) از فعل ناقص الف و غیرالف حرف عله حذف می شود با این تفاوت که در ناقص الف صیغه ی 3 قبل از حرف (و) فتحه ولی ناقص غیر الف قبل از (و) ضمه می گیرد.

نسی ← نسُوا

رمی ← رمُوا

« مضارع ناقص الف: يخفی »

صیغه های (1-4-7-13-14) بخاطر داشتن (الف) اعلال قلب به الف می گیرند.

1- يخفی 4- تخفی 7- تخفی 13- اخفی 14- نخفی

و صیغه های (3-9-10) با ضمائر (هم- آنتم- أنت) اعلال حذف می گیرند و بقیه ی صیغه ها اعلال ندارند.

3-هم يخفيون ← يخفون (حذف)

9-انتم تخفيون ← تخفون (حذف)

10-انت تخفيين ← تخفين (حذف)

« مضارع ناقص غير الف: يدعو-يرمي »

صیغه های (1-4-13-14) اعلال اسکان می گیرند.

1-يدعو 4- تدعو 7- تدعو 13- أدعو 14- ندعو

و صیغه های (3-9-10) با ضمائر (هم- آنتم- أنت) اعلال حذف و بقیه ی صیغه ها هیچ اعلالی ندارند.

3-هم يدعوون ← يدعون (حذف)

9-انتم تدعوون ← تدعون (حذف)

10-انت تدعوين ← تدعين (حذف)

توجه: در مضارع ناقص (الف و غیر الف) حرف عله حذف می شود با این تفاوت که در مضارع ناقص الف قبل

از (و-ی) در صیغه های (3-9-10) فتحه می گیرد ولی در مضارع ناقص غیرالف قبل از (و) در صیغه های

(3-9) ضمه و قبل از (ی) در صیغه ی (10) کسره می گیرد.

یتلو هم یتلون ، انتم تتلون ، انت تتلین

یبقی هم یبقون ، انتم تبقون ، انت تبقین

« نکته: جزم فعل ناقص: »

در صیغه هایی که حرف عله آخر باشد (1-4-7-13-14) هنگام جزم این 5 صیغه باید خود حرف عله را حذف کنیم و قانون مناسبت را رعایت کنیم، یعنی اگر (و) حذف شود قبلش را ضمه دهید و اگر (الف) حذف شود حرف قبلش را فتحه دهید و اگر (ی) حذف شود حرف قبلش باید کسره بگیرد.

تمشی نهی لاتمش / یخلو جحد لم یخل / ترضی امرحاضر ← ارض

« امر حاضر ناقص »

صیغه های (1,3,4) مطابق با صیغه های (7-9-10) مضارع اعلال حذف می گیرند و 3 صیغه ی باقی مانده (2-5-6) اعلال ندارند..

1- تبکی- إِبْکِ (حذف)

2- تبکیان- إِبْکِیَا

3- تبکون (حذف)- إِبْکُوا

4- تبکین (حذف)- إِبْکِی

5- تبکین- إِبْکِیْن

نکته: (لَا یَدْعُ، لَا یَدْعُ)، (لَا یَقِفُ، لَا یَقِفُ)

در صورتی که حرف دوم فعلی (متحرک) باشد آن فعل مثال است و حرف (لا) در آن نفی و غیرعامل است اما اگر حرف دوم (ساکن) باشد آن فعل معتل ناقص است و حرف (لا) در آن نهی و عامل جزم است.

لَا یَدْعُ: ریشه (وَدَع) ← مضارع ← یَدْعُ نفی (لَا یَدْعُ)

لايَدُعْ- ريشه (دَعَوْ) مضارع ← يدعو نهى (لاَيَدُعْ)

لاَيَقِفْ: ريشه (وقف) ← مضارع يقف نفي (لاَيَقِفْ)

لاَيَقِفْ: ريشه (قفو) ← مضارع يقفو نهى (لاَيَقِفْ)

نکته:

در مضارع ناقص اگر حرف عله (و) باشد صيغه های (3و6) همچنين (9و12) در ظاهر همانند هم می شوند و تنها از طريق ضمير مشخص می شوند و علت اين هماهنگی اعلال حذف در صيغه های (3-9) مضارع می باشد.

يتلو: هم يتلوون (حذف) ← يَتْلُونَ ، هُنَّ يَتْلُونَ (دون الاعلال)

يتلو: انتم تتلون (حذف) ← تَتْلُونَ ، انْتُنَّ تَتْلُونَ (اعلال ندارد)

اما اگر مضارع ناقص حرف عله اش (ی) باشد دو صيغه ی (10 و 12) يعنى صيغه ی (للمخاطبه و للمخاطبات) در ظاهر همانند هم می شوند و علت اين هماهنگی اعلال حذف در صيغه ی 10(للمخاطبه) است.

يرمى: 10- أنتِ ترمين حذف تَرْمِينِ / 12- انْتُنَّ تَرْمِينِ (اعلال ندارد)

توجه: قواعدی که گفته شد در رابطه با فعلهای معتل ثلاثی مجرد است.

